

یادداشت سردبیر

در شمارهٔ پیش، برخی از وجوه تأثیر فناوری هوش مصنوعی (AI) را در عرصهٔ آموزش و پژوهش به‌اجمال برشمردیم. بنظر میرسد دغدغهٔ اصلی در امر پژوهش به مقوله‌یی با عنوان «اخلاق هوش مصنوعی» بازگردد، هرچند کوششهایی در جهت تدوین چارچوب و استخراج سرفصلهایی در این زمینه صورت گرفته و میگردد. از مهمترین این سرفصلها و ملاکهای ذکرشده میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱. اعتبارسنجی فعالیتها:** از آنجاکه تمایز فعالیت اصیل پژوهشی کاربران از داده‌های وسیع و متنوع این فناوری کاری است دشوار و در مواردی غیرممکن، تدارک سازوکاری دقیق و فراگیر برای سنجش و تفکیک میزان فعالیت کاربر و توانایی دریافت و تحلیل وی از داده‌های هوش مصنوعی، بویژه در مجامع علمی و دانشگاهی ضرورت دارد، بویژه آنکه کاربر میتواند از امتیازات مادی و معنوی خروجیهای هوش مصنوعی استفاده کند.
- ۲. اعتبارسنجی داده‌ها:** از سوی دیگر، سنجش اعتبار داده‌هایی که توسط ابزارها و نسخه‌های هوش مصنوعی در دسترس کاربران قرار میگردد نیز ضرورت دارد. حجم انبوه اطلاعات، آنهم در یک موضوع و عنوان مشخص، الزاماً بمعنای ارزش علمی برابر آنها نیست و چه بسا در میان داده‌ها، اطلاعات نادرست و حتی برای انحراف مسیر پژوهش راه یافته باشد. اکنون که نسخه‌های متعدد هوش مصنوعی از سوی شرکتهای داده‌پردازی گوناگون روانهٔ بازار شده و میشود، و درآمدی هنگفت نیز نصیب تولیدکننده‌ها میکند، فراهم‌سازی ملاکهای ممیزی در اینباره نیز ضرورت دارد.
- ۳. رفع تبعیض و عدم انحصار:** از آنجاکه ساختار و حتی اهداف این صنعت، خواسته یا ناخواسته، با منافع شرکتهای و مؤسسات بزرگ داده‌پردازی مانند گوگل،

مایکروسافت و... پیوند خورده است، بیم آن میرود که دسترسی کاربران در سطح جهان به هوش مصنوعی، مانند دیگر امکانات مربوط به این شرکتها، به نوعی آپارتاید و تبعیض پنهان و آشکار دچار شده و از یکسو بهترین و مهمترین دستاوردهای علمی و صنعتی در اختیار محدود افراد و گروهها و به اصطلاح مافیای دادهها قرار گیرد و از سوی دیگر، عملاً از ابزاری در خدمت علم و پژوهش دانشمندان، به وسیله‌ی در خدمت دستگاههای خبرگیری، رهگیری و جاسوسی، بویژه رژیم آمریکا و صهیونیسم پلید تبدیل شود؛ چنانکه هم‌اکنون زنگ خطر این امر توسط برخی متخصصان و صاحبانظران به صدا در آمده است.

۴. صیانت از حقوق انسانی و حریم خصوصی: از دیگر دغدغه‌های این

پدیده، ورود بیمحابا و گسترده فناوری به حوزه‌ی است که آن را پاسداشت شرافت و انسانیت و صیانت از حریم خصوصی بمثابة حقوق پایه و مورد اتفاق هر یک از شهروندان شمرده‌اند. برای نمونه، استفاده از هوش مصنوعی در تجاوزهای اخیر رژیم آمریکا و صهیونیسم به غزه و لبنان و اخیراً کشور عزیزمان ایران که بشیوه‌هایی غیرانسانی و در نهایت قساوت و شقاوت - که دلالتی روشن بر بدویت و بربریت مدرن دارد- صورت گرفت، لزوم اجماعی جهانی برای تعیین حدود و ثغور این فناوری و اعمال سازوکارهای بازدارنده از توحش برخی از سران غرب را دوچندان میکند.

۵. تدوین شیوه‌نامه نگارش مرجع: از آنجاکه هوش مصنوعی از منابع و مأخذ

گوناگون تغذیه، تجمیع و پردازش میکند، تکثر و ناهمسانی ادبی و نگارشی در داده‌ها امری طبیعی و قهری است و از آنجاکه کاربران عموماً به حصول نتیجه و تسریع در پاسخ توجه دارند، موضوعاتی چون رسم‌الخط و شیوه‌های نگارش معیار به حاشیه می‌رود. این امر نه تنها با ملاکهای علمی ناسازگار است، بلکه بتدریج آثار فرهنگی و زبانی خود را بر مخاطبان و کاربران تحمیل میکند. تدوین شیوه‌نامه‌ی که ناظر بر پیرایش و ویرایش داده‌ها و بویژه پالودن متون از ورود و استقرار عناصر بیگانه با فرهنگ خودی و زبان فاخر پارسی باشد، از اولویتهای مراکز فرهنگی و بویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. امید است در آینده و در مجال دیگری بتوان به برخی از وجوه ناگفته در این زمینه بپردازیم.

سردبیر

